



## تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی

روح الله چگنی<sup>۱</sup>، زهرا چگنی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکترای علوم سیاسی

r.chegeni@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت صنعتی

Zahra\_chegeni@yahoo.com

### چکیده:

با نگاهی به سیر تحول نظریه های توسعه، مشخص می شود که تعریف توسعه، از مفهوم رشد - بدون توجه به جنبه های انسانی - به سمت توجهات انسانی معطوف گشته است. شاخصهای توسعه نیز همگام با نظریه های توسعه دچار پیشرفت هایی شده و از شاخص رشد اقتصادی، به شاخص توسعه پایدار و در نهایت به شاخص توسعه انسانی رسیده است. از زمانی که شاخص توسعه انسانی به عنوان شاخصی شناخته شده و پذیرفته شده از سوی جامعه بین الملل مد نظر سیاستگذاران قرار گرفته است، این سؤال به عنوان سؤالی اساسی مطرح است که عوامل اثرگذار بر این شاخص چه عواملی هستند؟ بر اساس فرضیه این پژوهش، «یکی از عوامل مهم و موثر بر شاخص توسعه انسانی، سطح سرمایه اجتماعی به عنوان عامل آسان کننده جریان تولید، خلق ثروت و رفاه است». سرمایه اجتماعی متشکل از مولفه هایی چون شبکه های اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی است که به عنوان موتور محرکه توسعه و تعالی جوامع در نظر گرفته می شود. روش جمع آوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه ای و روش تحلیل کمی - کیفی و توصیفی است و با بهره گیری از برخی آمار موجود و تحلیل ثانویه به بررسی موضوع پرداخته شده است.

مفاهیم کلیدی: سرمایه اجتماعی، شبکه های اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، توسعه انسانی، شاخص توسعه انسانی (HDI)

### مقدمه:

اگر چه اقتصاد دانان و اجتماع پژوهان در طول قرن بیستم به ابزارهای تحلیلی مطلوبی دست یافتند، ولی با این همه نتوانستند بطور کامل تفاوت های مشاهده شده بین کشورهای مختلف را از نظر سطح توسعه اقتصادی، تبیین کنند. این ابزارها نمی توانست به این پرسش پاسخ دهد که چرا کشورهایی که دارای سرمایه طبیعی و فیزیکی مشابهی هستند، میزان رشد اقتصادی و درآمد سرانه نابرابری دارند. در دهه 1980، ابزار مفهومی جدیدی مورد توجه پژوهشگران اجتماعی و اقتصادی قرار گرفت که تأکید اصلی آن بر ویژگی های موجود در روابط اجتماعی بین انسان ها بود. پذیرش و محبوبیت این ابزار جدید با عنوان سرمایه اجتماعی، به دلیل کاربرد آن در سطوح مختلف (خرد، میانه و کلان) در حوزه های مختلف زندگی اجتماعی - اقتصادی است. دولت ها با آگاهی از کاربرد سرمایه اجتماعی در فقرزدایی، به استفاده از آن در برنامه ها و



سیاستهای اجتماعی خود پرداختند و بدین ترتیب حاکمیت الگوی همکاری سه جانبه بین : دولت، بازار و اجتماع سبب برجستگی مفهوم سرمایه اجتماعی شد. (شارع پور، محمود. 1387، ۶)

سرمایه اجتماعی، یک مفهوم فرا رشته ای است که بطور کلی بر روابط میان انسانها تمرکز دارد. روابطی که در تمام لحظات زندگی روزمره و در طول عمر انسانها، جریان داشته و رفتار و نگرش آنها را تحت تأثیر قرار می دهد. به دیگر سخن، سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. ادبیات سرمایه اجتماعی تا به حال، علاوه بر طراحی نظری این مفهوم، در پی آن بوده که اهمیت این روابط را از لحاظ تجربی نیز به اثبات برساند. در این میان، یکی از مهمترین اثراتی که سرمایه اجتماعی بر اقتصاد خواهد داشت، اثری است که بر شاخصهای توسعه اقتصادی دارد. به عبارت دیگر، در چارچوب اقتصاد نهادگرا، یکی از مهمترین متغیرهای اثرگذار بر سیستم اقتصادی، مقادیر شاخصهای مربوط به نهادهای اجتماعی و اقتصادی سیستم می باشد. در کشورهای درحال توسعه ای همچو ایران، این امر زمانی مهمتر می شود که آگاه باشیم افزایش سرمایه اجتماعی می تواند به عنوان زیربنا و بستری برای بهبود بهره وری عوامل تولید، بهبود عدالت و توزیع درآمد بوده و باعث بهبود محیط کسب و کار و افزایش تولید نهایی کار و سرمایه گردد. (محسن رنای و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۰۶)

بنابر تعاریف ارائه شده، سرمایه اجتماعی شامل یک بعد ساختاری (شبکه های اجتماعی) و یک بعد فرهنگی و هنجاری است که شامل شاخصه هایی چون اعتماد، مشارکت است. این دو بعد در کنار هم امکان تعالی جوامع و همبستگی آنها را فراهم می آورد و موتور محرکه توسعه قلمداد می شود. بنحوی که اکنون شناخت و ارزیابی نحوه اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر توسعه، در اغلب کشورها مسئله ای بسیار حائز اهمیت است. در همین راستا در این پژوهش به بررسی میزان تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی می پردازیم.

### ۱) مبانی نظری پژوهش:

طبق تعریف، شاخص توسعه انسانی از سه زیر شاخص اصلی تشکیل شده است که عبارتند از: شاخص درآمد سرانه، شاخص سلامت و طول عمر و شاخص آموزش و دانش. برای پرداختن به عوامل اثرگذار بر شاخصهای توسعه انسانی لازم است عواملی احصاء شوند که بر این زیرشاخص ها مؤثر باشند.

بنابر فرضیه این پژوهش، «سرمایه اجتماعی» از جمله ی این عوامل مؤثر بر فرآیند توسعه انسانی می باشد. از میان نظریات مختلفی که در باب تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر زندگی اجتماعی و توسعه مطرح شده اند، نظریات «بوردیو»، «فوکویاما»، «کلمن» و «پوتنام» بعنوان مبانی نظری این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته اند.

بوردیو معتقد است که: «دو رویکرد عینیت گرایی و ذهنیت گرایی دو پاره ی اصلی تفکر اجتماعی هستند و رابطه ی دیالکتیکی با یکدیگر دارند. بوردیو برای ترکیب عینیت گرایی و ذهنیت گرایی مجموعه ای بدیع از مفاهیم را وضع کرد که با مفاهیم «ملکه»، «میدان» و «سرمایه» استحکام یافته و منسجم شده بود. ملکه، مشخص کننده نظام و مجموعه ای از خوی و خصلت های ماندگار و قابل جابجایی است که از طریق آن ادراک و داوری کرده و در جهان پیرامون خود عمل می کنیم. حوزه های گوناگون و متفاوت زندگی، هنر، علم، دین، اقتصاد، سیاست و ... مدل های کوچک متمایزی از قاعده ها، مقررات و اشکال قدرت را شکل می دهد که بوردیو آن را «میدان» می نامد. میدان، قدرتی است که تصمیمات مشخص خود را بر کسانی که وارد آن می شوند تحمیل می کند و سرمایه هرگونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است، که در توانایی فرد برای بهره مندی از منافع خاصی که در این صحنه حاصل می گردد مؤثر واقع شود. سرمایه اساساً به چند صورت دیده می شود: سرمایه اقتصادی (دارایی مالی و مادی)، سرمایه فرهنگی (کالا، مهارتها و عناوین نمادین کمیاب)، سرمایه نمادین (صفات اخلاقی که به افراد خاصی داده می شود) و سرمایه اجتماعی (منابعی که به صرف عضویت در گروه به فرد تعلق می گیرد). بررسی و تحلیل ساختارهای عینی از بررسی و تحلیل پیدایش ساختارهای ذهنی در درون فرد زیستی که خود تا حدودی محصول درونی شدن ساختارهای اجتماعی است و نیز از تحلیل و بررسی پیدایش خود این ساختارها، تفکیک ناپذیر است. (استونز، 337-334، ۱۳۷۹)

اندیشمند دیگری که در این زمینه نظریه پردازی نموده «رابرت پاتنام» است، وی در این زمینه می گوید: «سرمایه اجتماعی در قالب و شکل هنجارهای معامله متقابل تعمیم یافته در یک اجتماع باعث افزایش کارایی بیشتر نسبت به جامعه ای می شود که گرفتار بی اعتمادی است. دقیقاً به همان دلیل که پول کارایی بیشتری نسبت به مبادله پایاپای دارد و اگر دو طرف معامله به کالاهای یکدیگر نیاز نداشته باشند از طریق پول بعنوان واسطه عمل می نمایند و حجم مبادلات



به مراتب بیشتر می شود، اعتماد نیز همانند پول در زندگی اجتماعی عمل نموده و تعامل فراوان در بین مردم گوناگون باعث ایجاد هنجار معامله متقابل تعمیم یافته گردیده و مشارکت مدنی و سرمایه اجتماعی باعث ایجاد تعهد متقابل و مسئولیت پذیری در انجام دادن اعمال و رفتارها می گردد. بنابراین سرمایه اجتماعی هم کالای خصوصی و هم کالای عمومی است. (سید احمد فیروزآبادی، ۱۳۸۴، ۱۵۶)

«پاتنام»، سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه ها می داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضاء در شبکه به عنوان منابعی هستند که در کنش های اعضاء جامعه موجود است. وی سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم های مختلف سیاسی می دانست. تأکید وی بر مفهوم اعتماد بود و همین عامل است که می تواند با کم کردن فاصله میان مردم، دولتمردان و نخبگان سیاسی، موجب توسعه سیاسی شود. بنابراین اعتماد منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می شود و اگر در حکومتی به میزان زیاد اعتماد وجود داشته باشد به همان میزان رشد سیاسی و توسعه اجتماعی بیشتر خواهد شد. (پاتنام، ۱۳۸۰ : ۲۸۵)

«فرانسیس فوکویاما» در مقاله «سرمایه اجتماعی و توسعه: دستور کار آینده» اشاره دارد که توافقی بر تعریف سرمایه اجتماعی وجود ندارد، وی این مفهوم را اینگونه تفسیر می کند: «سرمایه اجتماعی هنجارها یا ارزشهای به اشتراک گذاشته شده است که موجب تقویت همکاری اجتماعی براساس روابط اجتماعی واقعی می شود.» (فرانسیس فوکویاما، ۱۳۸۹، ۲۷۶) وی از این تعریف در مقاله خود به وفور استفاده کرده است. وی بیان می دارد که سرمایه اجتماعی پیش نیازی ضروری برای توسعه موفق است، اما برقراری نیرومند قانون و نهادهای زیربنایی سیاسی نیز برای ساختن سرمایه اجتماعی ضروری هستند.

فوکویاما بر وجود هنجارها و ارزشهای غیر رسمی در یک گروه تأکید دارد. از نظر وی: «سرمایه اجتماعی را به سادگی می توان بعنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزشهای غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان آنان مجاز است، در آن سهم هستند؛ مشارکت در ارزشها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی گردد، چرا که این ارزشها ممکن است منفی باشند. برعکس، هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشند.» (فوکویاما، ۱۳۸۵، ۱۰)

یکی دیگر از اندیشمندان بنام این حوزه، «جیمز کلمن» سرمایه اجتماعی را این گونه تعریف می کند: سرمایه اجتماعی امری واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: اول آنکه، همه آنها شامل جنبه ای از یک ساخت اجتماعی هستند، و کنشهای معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می کنند و دیگر آنکه سرمایه اجتماعی، مانند شکل های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به اهداف معینی را که در نبودن آن دست یافتنی نخواهد بود امکان پذیر می سازد. (کلمن، ۱۳۷۷، ۴۶۲)

از مجموع نظریات فوق می توان چنین استنباط نمود که: سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها یا ارزشهای غیر رسمی (ذهنی) است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون (عینی) میان آنان مجاز است در آن سهم هستند و در واقع تقابل دویاره عینیت و ذهنیت در یک رابطه دیالکتیکی است که به ایجاد سرمایه اجتماعی می انجامد.

## ۲) سرمایه اجتماعی، ابعاد و شاخصه ها:

سرمایه اجتماعی مفهومی جامعه شناسی است که در تجارت، اقتصاد، علوم انسانی و بهداشت عمومی جهت اشاره به ارتباطات درون و مابین گروهی از آن استفاده می شود. اگرچه تعاریف مختلفی برای این مفهوم وجود دارد، اما در کل سرمایه اجتماعی به عنوان نوعی «علاج همه مشکلات» جامعه مدرن تلقی شده است. سرمایه اجتماعی مفهومی کلان است که در برگیرنده ابعادی مانند اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و هنجارها است. سرمایه اجتماعی از ویژگی خود زایی و خود مولدی برخوردار است، به این معنا که با استفاده مناسب از آن، زمینه برای تولید و تقویت آن فراهم می شود.

سرمایه اجتماعی بر چند تعریف، تفسیر و کاربرد مختلف استوار است. دیوید هالپرن<sup>۱</sup> بیان می دارد که محبوبیت سرمایه اجتماعی برای سیاستگذاران به علت حالت دو گانه این مفهوم می باشد که خود ناشی از «روح قوی اقتصادی آن در بیان اهمیت گروهها» است. محبوبیت این مفهوم برای محققان تا حدودی به علت طیف وسیع نتایجی است که سرمایه اجتماعی می تواند توجیه کند. (Halpern, D. ۲۰۰۵).

تعدد کاربردها منجر به تعدد تعاریف شده است. سرمایه اجتماعی به دفعات برای تشریح عملکرد مدیریتی برتر، بهبود بازدهی گروه های دارای اعمال مختلف، ارزش حاصل از پیمانهای مصلحتی و تقویت روابط زنجیره عرضه به کار گرفته شده است. تلاشهای آغازین برای تعریف سرمایه اجتماعی بر میزان استفاده از آن به عنوان منبعی در اختیار نفع عمومی یا افراد تأکید داشتند.

<sup>1</sup> Halpern, D



«پوتنام»، می گوید سرمایه اجتماعی می تواند موجب تقویت همکاری و بطور همزمان گسترش روابط حمایتی دو جانبه در اجتماعات و ملتها گردد و بنابراین می تواند ابزاری ارزشمند برای مبارزه با بسیاری از نارسایی های اجتماعی در جوامع مدرن، همچون جرائم، که جزء جدایی ناپذیر آنها هستند، باشد. (Putnam, R. D. ۱۹۹۳)

بر اساس گفته رابرت پوتنام، سرمایه اجتماعی «به ارزش جمعی همه شبکه های اجتماعی و تمایلات ناشی از این شبکه ها برای کمک به یکدیگر اشاره دارد». بر اساس نظر او و پیروانش، سرمایه اجتماعی عنصری کلیدی در بنا و برقراری دموکراسی است. پوتنام می گوید سرمایه اجتماعی را می توان با بررسی میزان اعتماد و حس عمل متقابل در یک اجتماع یا بین مردم سنجید. «ناهایت و گوشال» در تحقیقات خود پیرامون نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه معنوی، پیشنهاد می کنند که سرمایه اجتماعی در سه بخش باید مورد توجه قرار بگیرد: ساختاری، ارتباطی و شناختی<sup>۱</sup>. «کارلوس گارسیا تیمون» می گوید ابعاد ساختاری سرمایه اجتماعی مرتبط با توانایی فرد در برقراری پیوندهای ضعیف و قوی با دیگران در یک سیستم است. این بعد اساساً مربوط به منافع حاصل از ساختار شبکه های فردی و جمعی شخص عامل است. (Granovetter, M. S. 1973)

برخلاف کسانی که بر منافع عمومی ناشی از شبکه روابط اجتماعی تأکید دارند، اوزی و دانلپ سرمایه اجتماعی را ابزاری برای دستیابی به اطلاعات، تخصص و قدرت بیشتر می دانند (Uzzi, B. and S. Dunlap. 2005) براین اساس، افراد می توانند بجای استفاده از سرمایه اجتماعی در جهت نفع سازمان، از آن برای پیشرفت شغلی خود استفاده کنند.

«هزلتون و کنان»<sup>۲</sup> بعد سوم یعنی ارتباطات را هم افزوده اند. بعد ارتباطی بر خصوصیات رابطه بین افراد تمرکز دارد. این بعد را به بهترین نحو با میزان اعتماد، همکاری و کسب هویت فردی در یک شبکه می توان تشریح کرد. ارتباطات در ترکیب با سرمایه اجتماعی برای دسترسی به اطلاعات، یافتن مشکلات و راه حل آنها و مدیریت اختلافات ضروری است. یویسوت<sup>۳</sup> و بولند<sup>۴</sup> و تنکاسی<sup>۵</sup> معتقدند ارتباط معنی دار نیازمند حداقلی از زمینه های مشترک ما بین افراد دخیل در تبادل اطلاعات است. و سرانجام، بعد شناختی راجع به درک و معانی مشترکی است که افراد و گروهها از یکدیگر دارند.

در مجموع براساس نظریات ارائه شده می توان سرمایه اجتماعی را حاصل ارتباط پدیده هایی چون اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروههای اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، کار گروهی و ... دانست. بعبارت دیگر سرمایه اجتماعی دارای یک بعد ساختاری (شبکه های اجتماعی) و یک بعد فرهنگی (اعتماد و مشارکت) است که در ذیل به بررسی آن می پردازیم.

### ۱-۲) شبکه های اجتماعی:

روابط اجتماعی هسته اصلی جامعه محسوب می گردد و موجب می شود کنشگران با گسترش پیوندهای خود، کنشهای خود را در ساختار جامعه تسهیل نمایند و از این طریق به اهداف خود دست یابند. همه افراد در جامعه به نوعی در تلاش برای برقراری ارتباط با دیگران می باشند تا مبادلات خود را در زمینه های مختلف سرعت دهند. علاوه بر جامعه در سطح کلان که تعاملات گسترده ای را در خود جای می دهد، اجتماع کوچکتری با عنوان «اجتماع شبکه ای»<sup>۶</sup> مطرح می شود که شبکه روابط غیررسمی فرد است. روابط و پیوندهای اجتماعی بنابر «نظریه تحلیل شبکه»<sup>۷</sup> بعنوان سرمایه اجتماعی و دارایی فرد محسوب می شود و فرد از طریق آن می تواند به منابع و حمایتیهای موجود در این پیوندها دسترسی یابد. بنابراین کم و کیف روابط اجتماعی، میزان و نحوه تعاملات و نوع حمایتی که رد و بدل می شود، از اهمیت زیادی برخوردار است.

در سرمایه اجتماعی شبکه، سرمایه اجتماعی کالایی فردی است و به سرمایه گذاری افراد در روابط اجتماعی و در اختیار گرفتن منابع موجود در این روابط برای کسب بازده و سود مورد انتظار اطلاق می گردد. اما در سطح گروهی، سرمایه اجتماعی به صورت یک کالا و دارایی جمعی نمود می یابد، مثلاً در انسجام محله ای، کنش جمعی و غیره. (سوسن باستانی، ۱۳۸۶، ۶۶-۶۵)

شبکه های اجتماعی برای بررسی چگونگی تأثیرات متقابل میان تشکیلات، توصیف بسیاری از اتصالات غیررسمی که مجریان را به یکدیگر متصل می کند، نیز مورد استفاده قرار گرفته است و در این زمینه ها نیز به خوبی برقراری ارتباطات فردی میان کارمندان در سازمان های مختلف عمل می کند. شبکه های

<sup>1</sup> Nahapiet, J. And S. Ghoshal, 1998.

<sup>2</sup> Hazleton, V. and W. Kennan

<sup>3</sup> Boisot, M

<sup>4</sup> Boland, R. J

<sup>5</sup> Tenkasi. R. V

<sup>6</sup> Network community

<sup>7</sup> Network analysis theory



اجتماعی نقش کلیدی در موفقیت‌های تجاری و پیشرفت‌های کاری ایفا می‌کند. شبکه‌ها راههایی را برای شرکت‌ها فراهم می‌کنند که اطلاعات جمع‌آوری کنند، از رقابت بپرهیزند و حتی برای تنظیم قیمت‌ها و سیاست‌ها با هم تباری کنند. می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو، کلمن، پاتنام و فوکویاما در سطح گروهی مطرح می‌شود که در آن صورت، سرمایه اجتماعی شامل روابط، اعتماد، هنجارها، مشارکت و ... می‌باشد. اما از نظر تحلیل شبکه، سرمایه اجتماعی تنها در سطح رابطه ای-فردی مطرح می‌باشد و به شبکه روابط و حمایتها و منابع در دسترس اطلاق می‌گردد. این نوع سرمایه اجتماعی که سرمایه اجتماعی شبکه ای نام دارد، بر منابع ابزاری و حمایتی متنوع و موجود در شبکه، که با سرمایه گذاری افراد در روابط اجتماعی و دستیابی به پیوندهای اجتماعی به دست می‌آید متمرکز است.

## ۲-۲) اعتماد اجتماعی:

اعتماد (trust) یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد. همچنان که از شواهد کتاب‌ها و مقالات بسیاری که اخیراً در مورد مفهوم اعتماد و نظریه‌های مربوط به آن نوشته شده بر می‌آید، اعتماد را به آسانی نمی‌توان تعریف کرد. به علاوه، آنچه موضوع را بیشتر پیچیده می‌کند، مترادف‌های بسیاری است که برای آن وجود دارد از جمله اشتراک، همدلی، تحمل و برادری، وابستگی، اطمینان، اعتقاد، وثوق، باور، ایمان، به دیگری تکیه کردن و غیره.

در بررسی ادبیات جامعه‌شناختی مفهوم اعتماد به سه رهیافت فکری جامع دست می‌یابیم: نخست اینکه اعتماد، به منزله ویژگی فردی افراد است، دومین رهیافت اینکه اعتماد به منزله عاملی در ارتباطات اجتماعی و نهایتاً هم اعتماد به عنوان ویژگی نظام اجتماعی با تأکید بر رفتار مبنی بر تعاملات و سوگیریها در سطح فردی، مفهوم سازی شده است. (Mistral 1997: 19)

طبق این دیدگاه، برای ایجاد ارتباطات اجتماعی، شخص باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که در نتیجه، ترسهای خود و دیگری را از طرد شدن کاهش داده، امید به پذیرش، حمایت و تأیید را ارتقاء بخشد. طبق دیدگاه وی، اعتماد، یک خصیصه شخصیتی ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه اعتماد اجتماعی، جنبه‌ای از روابط اجتماعی است که مدام، در حال تغییر و پویایی است و این اعمال اجتماعی افراد است که سطح اعتماد را در روابط اجتماعی آنها افزایش یا کاهش می‌دهد. همچنین، اعمال اجتماعی آنها در ایجاد و حفظ اعتماد، در روابط دو سویه و کنشهای هر دو طرف از اهمیت زیادی برخوردار است.

«لوهمان» میان دو مفهوم اعتماد و اطمینان، تفاوت اساسی قابل شده و معتقد است اعتماد با مفهوم ریسک و مخاطره پذیری، ارتباط نزدیک دارد و در دوران اخیر مطرح شده است. وی از دیدگاهی خاص، به بررسی اعتماد می‌پردازد که کمتر مورد توجه سایر نظریه پردازان واقع شده؛ به این معنا که او کارکرد اعتماد اجتماعی را در درون سیستم اجتماعی بررسی می‌کند و با نظم در جامعه مقایسه می‌کند. به اعتقاد وی، کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی، این است که عدم تعین اجتماعی را کاهش و به این ترتیب باعث افزایش قابلیت پیش بینی رفتارها می‌شود. اعتماد، در واقع، یک نوع مکانیسم اجتماعی است که در آن انتظارات، اعمال و رفتارها تنظیم و هدایت می‌شود. (Luhmann, ۱۹۷۹:۱۱۲)

آنتونی گیدنز، اعتماد را به منزله اطمینان یا انکار بر یک ماهیت یا خاصیت شخصی یا چیزی یا صحت گفته‌ای می‌شناسد و این تعریف به نظر گیدنز نقطه شروع مفیدی را به وجود خواهد آورد. وی با دیدگاه لوهمان درباره اعتماد موافق نیست و می‌گوید: در واقع، اطمینان، نوع خاصی از اعتماد است و برخلاف برداشت لوهمان، هیچ ارتباط درونی و ذاتی بین اطمینان و ریسک وجود ندارد و در توجیه تفسیر خود، نکاتی را درباره اعتماد دخیل می‌داند: اولاً شرط نخستین مقتضیات اعتماد، عدم قدرت نیست بلکه عدم آگاهی اجتماعی کلی است در مورد فرد که فعالیتهای او به صورت مستمر در معرض دید است و روند افکار او آشکار است؛ نیز در مورد نظامی که اعمال کنندگانش شناخته شده و قابل ادراک هستند، نیازی به اعتماد نیست. ثانیاً اعتماد به قابلیت اتکای فرد یا سیستم نیست، بلکه آن چیزی است که از آن اعتماد سرچشمه می‌گیرد و این دقیقاً خط اتصال بین اعتماد و اطمینان است. بنابه تعریف وی، اعتماد اجتماعی در واقع عاملی اساسی در احساس آرامش جسمانی و روانی و در نهایت امنیت اجتماعی در شرایط عادی زندگی روزمره است و علت اینکه ما اغلب در فعالیتهای جاری خود کمتر از آنچه واقعاً هستیم احساس ضعف و ناتوانی می‌کنیم به دلیل عدم وجود اعتماد بنیادین، در حالت کلان و عدم وجود اعتماد اجتماعی می‌باشد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۸۲ - ۱۸۱) گیدنز، جو دارای اعتماد را به اصطلاح با «پبله حفاظتی» می‌آورد که در حقیقت، نوعی پوشش اطمینان بخش است که به حفظ و تداوم محیط پیرامونی ما کمک می‌کند.

بنابراین اعتماد منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می‌شود و اگر در حکومتی به میزان زیاد اعتماد وجود داشته باشد، به همان میزان رشد و توسعه بیشتر خواهد شد.



### ۲-۳) مشارکت اجتماعی:

در فرهنگ لغات و اصطلاحات در برابر واژه مشارکت، معانی مختلف بکار رفته است: اشتراک مساعی، قدرت دادن، سهم شدن، بسیج مردم، مسئولیت پذیری، واگذاری امور، خودگردانی، تقسیم کار، خودیاری، خود اتکایی، عدم تمرکز و... مشارکت اجتماعی فرآیندی است که از طریق آن، اجتماع، جماعت یا گروه، به هم می پیوندند تا عملکردهای مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجرا درآورند. همچنین فرآیندی است که از طریق آن شخصیت انسانی شکل می گیرد و فرد برای زندگی گروهی آماده می شود. یکی از مهم ترین عواملی که به تداوم حیات بشر کمک کرده، همکاری و مشارکت میان انسان هاست. از منظر جامعه شناسی، مشارکت به عنوان فرآیند تعاملی چند سویه مطرح می شود، که مداخله و نظارت مردم و قابلیت سیاسی - اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی در پی خواهد داشت. بنیادی ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مشارکت در فراگرد توانمند سازی افراد جامعه، بر سه ارزش بنیادی سهم کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش، و بازگشودن فرصت های پیشرفت به روی مردم تأکید دارد. (طوسی، ۱۳۷۰، ۵)

مشارکت اجتماعی از دویست سال پیش در نظام های سیاسی و اجتماعی جوامع غرب راه یافت، اما توجه به این پدیده و تأکید بر نقش آن، به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال گذار، تا حد بسیار زیادی پس از شکست راهکارها و برنامه های توسعه در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که از غرب وارد این کشورها شده بود، متجلی گردید. در بررسی و ارزیابی این برنامه ها عدم بهره گیری از مشارکت مردمی، به عنوان عامل اصلی شکست برنامه های توسعه ارزیابی شده است. لذا از آن پس در استراتژی های توسعه بر رویکرد مشارکت مردمی به عنوان یکی از نیازهای اصلی بشر تأکید شده است. (وحید و نیازی، ۱۳۸۳، ۱۱۹)

«رابرت دال»، در کتاب «تجزیه و تحلیل جدید سیاست» مشارکت سیاسی را مورد تحلیل قرار داده و عوامل تسهیل کننده ورود به مشارکت سیاسی را مطرح نموده که به مدل دال در مشارکت سیاسی معروف است. وی عوامل مؤثر و زیربنایی در شکل گیری مشارکت را این گونه بر می شمرد: فرد برای پاداش های حاصله از مشارکت ارزش بالایی قائل باشد، مکانیسم مشارکت را در نیل به هدف در قیاس با سایر مکانیسم ها مؤثرتر بداند، نسبت به نتایج اطمینان لازم را داشته باشد، در ورود به فرآیند مشارکت و در جریان مشارکت خود را مواجه با مشکلات و موانع زیاد نبیند. (دال، ۱۳۶۴، ۳۵) بنابر نظر دال، وقتی فرد از فعالیت، انتظار دریافت پاداش کلان را داشته باشد، تمایل به غلبه بر مشکلات و موانع در او زیاد می شود و حتی هزینه های آن را تحمل می کند.

«گائوتری»، جهت ایجاد بستر سازی های مناسب برای مشارکت مردم، حداقل چهار شرط عمده را لازم می داند. این شروط عبارت اند از: ایدئولوژی مشارکت (بعد هنجاری)، نهاد های مشارکتی (بعد سازمانی)، اطلاعات کافی و امکانات مادی و تخصصی لازم. وجود این شروط به عقیده گائوتری، به نهادینه کردن و تثبیت فرآیند مشارکت در جامعه منجر می شود. (پناهی، ۱۳۸۳، ۷۵)

### ۳) توسعه انسانی:

در همه تعاریف مختلف از توسعه بر تغییر ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه برای بهبود کیفیت زندگی همه انسانها در ابعاد فردی، اجتماعی و مادی و معنوی تأکید شده است. این بدان معنی است که جوهر اساسی مفهوم توسعه فرآیند تغییر پیچیده، در هم تنیده، پویا، متعامل و چند وجهی زندگی انسان است. بر این اساس توسعه شامل بهبود شرایط اقتصادی زندگی بعنوان یکی از مقاصد ضروری توسعه انسانی است. از این گذشته توسعه، نوسازی اجتماعی و فرهنگی را در بر می گیرد، به پرورش روحیه اعتماد به نفس و احترام بخود و فراهم ساختن محیط مناسب برای گسترش و شکوفایی قابلیت های ذهنی و عملکردی انسان توجه دارد، روند و امکان بهبود ساختار سیاسی، اجتماعی و بهره گیری از مواهب طبیعی و استفاده بهینه از منابع را مورد توجه قرار می دهد، در جستجوی سیاستهایی است که رشد اقتصادی را در راستای توسعه انسانی قرار دهد و به گسترش عدالت اجتماعی، کاهش فقر و نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی کمک کند، بر آزادیهای سیاسی، مردم سالاری، حقوق انسانها و احساس تعلق و مشارکت آنها در جامعه تأکید می کند و ... (سرکار آرائی، ۱۳۷۹، ۱۵۶)



رویکرد توسعه انسانی بطور کلی منطبق بر منطق بیان شده از سوی ارسطو، در دو هزار سال قبل است که: ثروت اساساً چیزی نیست که ما به دنبال آن هستیم، چراکه این نوع ثروت فقط برای بدست آوردن چیزهای دیگر به کار می رود. در واقع توسعه انسانی مبتنی بر این ایده اساسی است که پیشرفت جوامع انسانی را نمی توان تنها با درآمد سرانه اندازه گیری کرد، بلکه لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعداد و ظرفیت های انسانی است. بنابراین توسعه انسانی عبارت است از فرآیند بسط انتخاب ها و ظرفیت های انسانی براساس این رویکرد، رشد اقتصادی می تواند یکی از ابزارهای دستیابی به زندگی بهتر باشد ولی نمی تواند به عنوان هدف در نظر گرفته شود؛ در واقع شرط لازم برای توسعه انسانی است و نه شرط کافی. رشد اقتصادی فقط یک وسیله و مهمترین وسیله برای افزایش گزینه هاست و سرانه تولید ناخالص داخلی فقط درآمد متوسط کشورها را منعکس می کند ولی درباره نحوه توزیع درآمد چیزی نمی گوید. (علیخانی، سلیمه محمد، ۱۳۹۱، ۴۱۶)

«توسعه انسانی»، رویکردی است نوین به مقوله توسعه، که تا دهه ی ۱۹۷۰ مبنی بر مفهوم رشد اقتصادی تعریف می شد. اما پس از بروز نتایج ناخوشایند فقر و افزایش بی عدالتی ها و به توصیه نخبگان اقتصادی و سیاسی، «انسان»، و توجه به شان و جایگاه آن محور و کانون تعاریف توسعه شد. اکنون سه شاخصه اساسی برای توسعه انسانی مطرح است: ۱) امکان برخورداری از عمری طولانی همراه با تندرستی؛ ۲) کسب دانش؛ و ۳) دسترسی به منابع مورد نیاز برای تأمین سطح شایسته ای از زندگی. (احمد شعبانی، ۱۳۹۲، ۱۲۸)

در واقع مفهوم توسعه انسانی به جای تمرکز بر ابزار، به اهداف پیشرفت و توسعه تاکید دارد. بر این اساس، هدف واقعی توسعه باید خلق محیطی برای افراد باشد که در آن بتوانند از زندگی طولانی، سالم و خلاق لذت ببرند. این حقیقت ساده اغلب با بروز نگرانی ها و اولویت های لحظه ای مورد غفلت قرار می گیرد. توسعه انسانی به مفهوم فرایند گسترش حیطه انتخاب افراد و بهبود رفاه آنهاست. هرچند مهمترین ابعاد توسعه انسانی زندگی طولانی و سالم، دانش و استانداردهای زندگی آبرومندانانه هستند، اما می توان به آنها آزادی های سیاسی و اجتماعی را نیز افزود.

نکته دیگر که باید مطرح نمود آن است که مفهوم توسعه انسانی با توسعه منابع انسانی تفاوت دارد. در واقع توسعه انسانی مفهومی عام و گسترده تر است که توسعه منابع انسانی را دربر می گیرد. در توسعه انسانی، انسان هدف است نه وسیله، ولی در توسعه منابع انسانی، انسان ابزاری است که برای افزایش تولید کالاها و خدمات مورد توجه قرار می گیرد. عناصر اساسی در الگوهای توسعه انسانی، بهره وری، برابری، پایایی و توانمندسازی است. در قالب این الگو، بهره وری مشارکت فعال مردم در فرآیند درآمدزایی و اشتغال به شمار می آید. برابری، به امکان مساوی کسب قابلیت ها و فرصت به کارگیری آنها مربوط می شود. پایایی به معنای امکان ذخیره و جبران هر نوع سرمایه فیزیکی، انسانی و زیست محیطی است؛ توانمندسازی نیز به این معنی به کار رفته است که توسعه از سوی مردم صورت پذیرد. هدف توسعه انسانی، پرورش قابلیت های انسان و گسترش امکانات اوست. برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و خلاق در محیطی غنی و در جامعه مدنی دموکراتیک، هدف نهایی توسعه است. افزایش درآمد و گسترش اشتغال ضروری است اما این دو، وسیله توسعه هستند نه هدف آن. به طور خلاصه می توان گفت انسان، هدف توسعه و در عین حال محور توسعه است و مفهوم توسعه انسانی را در مرکز الگوهای توسعه قرار می دهد نه در حاشیه آن. (علیخانی، سلیمه محمد، همان، ۴۱۸)

### ۱-۳) شاخص توسعه انسانی (HDI):

به جهت سنجش میزان توسعه انسانی و تبدیل کیفیت به کمیت قابل اندازه گیری، شاخصی شکل گرفته بنام «شاخص توسعه انسانی» که اختصاراً آنرا (HDI)<sup>۱</sup> می نامند. شاخص توسعه انسانی ترکیبی از چهار معیار متفاوت است که در سه مؤلفه: امید به زندگی، آموزش و تولید ناخالص سرانه داخلی قرار می گیرند. شاخص توسعه انسانی یک میانگین ساده از سه مؤلفه فوق است.

امید به زندگی، آموزش و درآمد واقعی همگی از عوامل اساسی افزایش دهنده قدرت انتخاب انسانها می باشند. طول عمر بیشتر بعنوان معیار امید به زندگی علاوه بر آنکه نشان دهنده تغذیه مناسبتر و برخورداری از امکانات بهداشتی است، فرصت بیشتری را برای زندگی و انتخاب به انسانها می دهد. آموزش نیز به همین ترتیب قدرت تصمیم گیری و قدرت استفاده از فرصتهای بهتر را برای مردم به ارمغان می آورد. امروزه جدای از نقش آموزش در توسعه انسانی، بر تأثیر سرمایه انسانی و آموزش در رشد اقتصادی نیز تأکید فراوانی می شود و در نهایت تأثیر افزایش درآمد واقعی در گسترش انتخابهای آزادانه افراد و بهره برداری از منابع مادی بر هیچ کس پوشیده نیست. (کاسوی و احمدی، همان، ۱۰)

شاخص های توسعه انسانی که توسط بانک جهانی ارائه می گردد، ارائه دهنده جدیدترین اطلاعات مربوط به توسعه جهانی می باشد و شامل برآوردهای ملی، منطقه ای و جهانی می باشد. این آمارها که ۲۱۵ اقتصاد جهان را در بر می گیرد، به صورت آمارهای سالانه می باشد. این مرجع آماری جهانی، آمارهای

<sup>1</sup> Human Development Index



بیش از ۸۰۰ شاخص جهانی را مورد بررسی قرار می دهد. هر ساله در ماه آوریل، بانک جهانی اقدام به انتشار «HDI» می نماید و بانک اطلاعاتی قرار گرفته بر روی سایت بانک جهانی در خصوص شاخصهای توسعه جهانی، چهار بار در سال و در ماههای آوریل، ژوئیه، سپتامبر و دسامبر به روز می شود. شاخص توسعه انسانی بعنوان مقیاس جدیدی از توسعه و اندازه گیری آن جوامع در نظر گرفته شده. این شاخص مبتنی بر این ایده اساسی است که لازمه دستیابی به زندگی بهتر، علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیتهای انسانی است. شاخص توسعه انسانی درصدد اندازه گیری متوسط دستیابی یک کشور در سه بعد توسعه انسانی است. این ابعاد عبارت است: زندگی طولانی توأم با سلامتی، دانش، استاندارد زندگی. زندگی طولانی توأم با سلامتی با معیار امید به زندگی در بدو تولد، دانش به وسیله ترکیبی از میزان سواد بزرگسالان و نسبت ثبت نام خالص ترکیبی در آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی و استاندارد زندگی به وسیله «GDP» سرانه و یا درآمد اندازه گیری می شود. (علیخانی، سلیمه محمد، همان، ۴۱۵)

بر خلاف معیارهای گذشته که شاخصهایی از فرایندها و ابزار توسعه را معیار ارزیابی وضعیت توسعه جوامع بشری قرار می داده اند، اهداف این شاخص بسیار بدیهی و در دسترس هستند؛ فراتر رفتن از درآمد و مادیات برای ارزیابی رضایت از زندگی در طولانی مدت برای افراد جوامع مختلف، توجه به توسعه انسان، برای انسان و به وسیله انسان و تاکید بر این که هدف واقعی برنامه های توسعه در نهایت باید ایجاد شرایطی برای زندگی سالم، خلاقانه و شاد برای انسانها باشد. در واقع گزارش شاخصهای توسعه انسانی، این سؤال را مطرح می کند که چگونه شاخصهای رشد اقتصادی در نهایت موفق می شوند- یا نمی شوند- که رشد و درآمد را به زبان رفاه بشر ترجمه کنند - یا نکنند.

به لحاظ آماری برای شاخصهای توسعه انسانی مقادیر حداقل و حداکثر معرفی شده است. مقادیر حداقل، حداقلهایی است که در ۳۰ سال گذشته مشاهده شده است و مقادیر حداکثر، حداکثرهایی هستند که در ۳۰ سال آینده می توان تصور کرد. این حداقلها و حداکثرها به صورت زیر طبقه بندی می شود:

- ۱) میزان حداقل سن برای امید به زندگی در بدو تولد، ۲۵ سال و حداکثر ۸۵ سال
- ۲) حداکثر نرخ سواد بزرگسالان و نسبت ثبت نام خالص ترکیبی کودکان ۱۰۰ درصد و حداقل صفر درصد
- ۳) حداکثر GDP ۴۰۰۰۰ دلار (برحسب قدرت خرید دلار آمریکا PPP\$) و حداقل ۱۰۰ دلار. (همان، ۴۱۷)

#### ۴) تاثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی:

طی چند دهه اخیر در مباحث توسعه علاوه بر سرمایه های انسانی، فیزیکی و اقتصادی که در دیدگاههای سنتی توسعه مطرح بود، به سرمایه اجتماعی توجه ویژه شده است. سرمایه اجتماعی مفهومی فرارشته ای بین علوم انسانی است که به نقش نیروهای اجتماعی در توسعه جوامع می پردازد و اقتصاددانان و جامعه شناسان در بررسی های اقتصادی و اجتماعی جوامع توسعه یافته به این مفهوم توجه دارند. این رویکرد، نشان دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع می باشد. از سوی دیگر مطالعه روند رشد و توسعه کشورها بیانگر این واقعیت است که سایر سرمایه ها در صورت بهره گیری از سرمایه اجتماعی سبب رشد و توسعه یک جامعه می شوند. زمانی که سرمایه اجتماعی وجود دارد، کنش های اجتماعی تسهیل می شود و هزینه تعاملات کاهش می یابد. ثبات و انسجام اجتماعی به همراه همکاری و مشارکت اجتماعی که از مولفه های سرمایه اجتماعی هستند، شروط لازم برای توسعه می باشند.

سرمایه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی است. وجوه گوناگون پیوندها، همکاری، اعتماد متقابل و ارتباطات میان اعضای یک شبکه موجب تحقق اهداف اعضا می شود. علاوه بر این سرمایه اجتماعی برای برنامه های توسعه توفیق آفرین است. وجود سرمایه اجتماعی، بستر مناسبی برای بهره وری سرمایه انسانی و اقتصادی و فیزیکی است و برعکس نبود سرمایه اجتماعی، اثربخشی سایر سرمایه ها را در دستیابی به توسعه منتهی می کند و بدون سرمایه اجتماعی، طی کردن راههای توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و مشکل می شود. پذیرش این مفهوم بعنوان یک نوع سرمایه در سطح مدیریت کلان توسعه کشورها می تواند شناخت جدیدی را از سیستم های اقتصادی - اجتماعی ایجاد کرده و دولتمردان را در هدایت بهتر جامعه به سمت توسعه یاری رساند.

سرمایه اجتماعی بعنوان امری که اکنون در کانون توجه قرار گرفته است، در برگیرنده شبکه های اجتماعی و مولفه هایی چون اعتماد، مشارکت و آگاهی است و براساس آنچه ذکر شد، دامنه اثرگذاری و اثرپذیری گسترده ای در جامعه دارد. از سوی دیگر توسعه انسانی بعنوان رویکردی نوین به مقوله توسعه - بعنوان متغیر وابسته در این پژوهش - دارای سه شاخصه اصلی است، که عبارتند از: درآمد سرانه، طول عمر و دانش. بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه





انسانی امری حیاتی است که تاکنون چندان مورد اهتمام قرار نگرفته است. بر اساس یافته های این پژوهش، میزان تاثیر «سرمایه اجتماعی» بر «شاخص های توسعه انسانی» و رابطه این دو را می توان چنین بیان نمود:

### الف) سرمایه اجتماعی و میزان درآمد و رفاه:

با گذشت زمان، مردم از زندگی در فضای فردی به سمت و سوی زندگی اجتماعی سوق داده شده اند. در واقع فردگرایی منجر به کاهش تعاون و همکاری، و در نتیجه کاهش تولید و افزایش مخاطرات برای افراد می شود. این نظر منطبق با نظر بهینه گرایان مبنی بر امکان دستیابی به درآمد بیشتر از مجرای تخصصی شدن است. افزایش ارتباط افراد با جوامع مدرن موجب می شود که بهره وری و رفاه افرادی مثل کشاورزان فقیر افزایش یافته و سطح زندگی مادی آنها به حد استاندارد خود نزدیک شود. از سوی دیگر ارتباط و پیوند اجتماعی افراد با یکدیگر می تواند از تأثیر تحریم های داخلی و افزایش تعارضات اجتماعی که منجر به شکست همکاری ها می شوند، بکاهد. (Wiig, 2003: 36)

از زمانی که واژه سرمایه اجتماعی وارد مباحث اقتصادی شد، اقتصاددانان کوشیدند تا با تبیین روابط متقابل بین سرمایه اجتماعی و سایر متغیرهای کلان اقتصادی، نشان دهند که سرمایه اجتماعی و روابط مبتنی بر اعتماد، چگونه می تواند بر روی اقتصاد تأثیر بگذارد.

«کلمن»، تأثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه اقتصادی را از طریق سرمایه انسانی و توسعه سیاسی می داند. به اعتقاد وی تأثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه اقتصادی مستقیم نیست، بلکه سرمایه اجتماعی ابتدا سبب تولید سرمایه انسانی و توسعه سیاسی (یعنی ایجاد نظامها و رژیمهای سیاسی کارآمد و پاسخگو) شده و سپس از طریق این دو، سرمایه اقتصادی را ایجاد می کند. (مهرگان و دلیری، ۱۳۹۴، ۱۱۹)

پاتنام معتقد است: «سرمایه اجتماعی باعث تسهیل در گردش چرخه های می شود که اجازه پیشرفت همسان و یکنواخت جوامع را می دهد. جایی که مردم به یکدیگر اعتماد داشته باشند و تعاملات مورد انتظار شهروندان را تکرار نمایند، تجارت روزانه و تعاملات اجتماعی کمترین میزان هزینه را خواهد داشت و دیگر نیازی به صرف وقت و پول برای اطمینان حاصل نمودن از تعهدات طرف مقابل در انجام دادن معاملات نیست.» (فیروزآبادی، ۱۳۸۴، ۱۶۱)

«گرینوتر» (1995)، اعتقاد داشت که توسعه اقتصادی از طریق ساز و کاری به وقوع می پیوندد که به افراد اجازه می دهد تا در ابتدا از مزیت عضویت در اجتماع خود بهره برداری کنند، و همین سازوکار بعداً به او امکان می دهد تا مهارتها و منابع لازم برای مشارکت در شبکه هایی را اخذ کند که از اجتماع آنها فرا می گذرد و بدین ترتیب، به تدریج به بدنه و جریان اصلی اقتصاد می پیوندد. (مهرگان و دلیری، همان، ۱۲۲)

«فوکویاما»، تأثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه های اقتصادی را از طریق نظم اجتماعی حاصل از نظام هنجارها و نظم اخلاقی که سرمایه اجتماعی ایجاد می کند، می داند. به اعتقاد وی سرمایه اجتماعی، نظامی از ارزشها و هنجارهای اخلاقی را فراهم می سازد که به واسطه آن، جامعه از فروپاشی اخلاقی و مبتلا شدن به انواع انحرافات اجتماعی مصون می ماند و بدین ترتیب، سلامت اجتماعی جامعه سبب رشد اقتصادی خواهد شد. (همان، ۱۲۰)

در سال ۱۹۹۸، تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی، رفاه خانواده و فقر در اندونزی» زیر نظر بانک جهانی توسط «گروتارت»<sup>۲</sup> انجام گرفت و در این تحقیق، برای سرمایه اجتماعی شش بعد قائل گردید: شدت ارتباط بین انجمن های محلی، ناهمگونی داخلی، میزان حضور در جلسات، مشارکت فعال اعضا در تصمیم گیری ها، پرداخت مقرری و سوگیرهای اجتماعی انجمن ها. وی با ترکیب این ۶ متغیر «شاخص سرمایه اجتماعی» را طراحی کرد. یافته های این تحقیق نشان داد که سرمایه اجتماعی خانوار تأثیر مثبتی بر روی رفاه دارد. (ابوالحسن تنهایی و حضرتی صومعه، ۱۳۸۸، ۳۴)

آنچورنا و همکاران<sup>۳</sup>، در مقاله ای تحت عنوان «گره های اجتماعی و توسعه اقتصادی» با بهره گیری از مدل تعادل عمومی به بررسی تأثیر گروههای اجتماعی (شاخصی برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی) روی توسعه اقتصادی ۲۷ کشور پرداختند. یافته های این تحقیق نشان داد که:

1- ناهمسانی در تعداد گروه های اجتماعی می تواند سبب ناهمسانی در درآمد سرانه کشورها شود.  
2- محاسبه انجام شده نشان داد که، کشورهای مورد مطالعه بدون وجود سرمایه اجتماعی تنها به ۱/۲ و ۳/۴ از میزان درآمد سرانه خود دست خواهند یافت.

3- سرمایه اجتماعی می تواند کارآیی سرمایه انسانی و یا بهره وری نیروی کار را افزایش دهد.

4- آنها اعتقاد دارند که، افزایش در بهره وری حتی می تواند سبب کاهش در رفاه شود. و این زمانی اتفاق می افتد که گروههای اجتماعی هماهنگ، با هم شکل نگیرند.

<sup>1</sup> Granovetter

<sup>2</sup> Grootaert, Christiaan

<sup>3</sup> Anchorena, J. et al 2008



5- گروه‌های اجتماعی که نشان دهنده سرمایه اجتماعی اند، می‌توانند سبب کاهش در هزینه مبادله شوند. (مهرگان و دلیری، همان، ۱۲۷)

### ب) سرمایه اجتماعی و بهداشت و سلامت:

«اینکه سرمایه اجتماعی و سلامتی به هم مربوط هستند، ایده ای است که حداقل یک قرن عمر دارد. به تعبیر «گری وینسترا»: «اگر تنها یک حقیقت مسلم در پژوهش‌های بهداشتی وجود داشته باشد، این است که موقعیت اجتماعی و تندرستی با یکدیگر ارتباط قوی دارند». آثار سرمایه اجتماعی بر بهداشت را می‌توان به این صورت مطرح کرد: اثر ساختی و اثر قرینه ای. آثار ساختی، تأثیرات مستقیم مشارکت مدنی، مشارکت در شبکه‌ها و احساس اعتماد را بر سلامتی اعضاء، اندازه‌گیری می‌کند. از سوی دیگر در سطح کلان، سرمایه اجتماعی ممکن است با استفاده از ایجاد جایگاه‌های سیاسی، بطور غیر مستقیم بر سلامتی جمعیت تحت حاکمیت تأثیرگذار باشد. به این اثرها، «اثرهای قرینه ای» یا اثرهای غیر مستقیم سرمایه اجتماعی بر بهداشت گفته می‌شود.

سرمایه اجتماعی از راه‌های مختلفی بر بهداشت و امید به زندگی تأثیر گذار است از جمله: وجود سرمایه اجتماعی می‌تواند سلامت روان را برای افراد جامعه تأمین کند. بیماری‌های روحی، افسردگی و بسیاری از انواع عقده‌های روانی از مواردی هستند که در بسیاری اوقات در نتیجه تنهایی، گوشه‌گیری و عزلت افراد به وجود می‌آیند که حاصل دوری از محیط‌های پر تکاپوی اجتماعی، رفت و آمدهای دوستانه، کاری و فامیلی، وجود صداقت، اعتماد و سلم و صفا در جامعه می‌باشد. (شعبانی، ۱۳۹۲، ۱۳۱)

تحقیقات رو به رشد پیرامون عوامل اجتماعی موثر بر سلامتی نشان می‌دهد که وجود اعتماد اجتماعی در اجتماعات، حافظ سلامتی است. افرادی که در شبکه اجتماعی غنی از حمایت، اعتماد عمومی، اطلاعات و هنجارها زندگی می‌کنند، منابعی در اختیار دارند که بر سلامت آنها اثر مثبت می‌گذارد. الگوهای دوستی می‌تواند از یک سو نشان دهنده آسودگی و اعتماد اجتماعی مردم شده و به حفظ تندرستی کمک کند و از سوی دیگر می‌تواند حس کنترل فردی را افزایش دهد و به کاهش تنش بیانجامد. (صادقی و دیگران ۱۳۹۲، ۱۱)

مورد دیگر، تأثیر سرمایه اجتماعی بر سطح امید به زندگی افراد است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد نرخ مرگ و میر مردمی که شبکه‌های اجتماعی قوی تری دارند، نصف یا یک سوم نرخ مردمی است که ارتباطات ضعیف اجتماعی دارند. فیلد (۱۳۸۵) به نقل از، مون مک کلین و ویلیامز در سال ۱۹۸۹ نیز با پردازش یک نمونه‌گیری که از زنان ۲۵ تا ۵۰ ساله انجام داده بود، به این نتیجه رسید که مشارکت در کلوبها و فعالیت‌های داوطلبانه، نقش زیادی در محافظت افراد در برابر مرگ و میر ایفا می‌کند. (شعبانی، همان، ۱۳۲)

### ج) سرمایه اجتماعی و آموزش و دانش:

«ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی نقش چشمگیری در بهبود وضعیت آموزشی ایفا می‌کنند. بنابراین اصول جامعه‌شناسی و روانشناسی، کودکانی که خانواده آنها از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در وضعیت مناسبی قرار دارند، از لحاظ آموزشی بهتر از خانواده‌های آسیب‌پذیر هستند و زمینه‌های تبدیل سرمایه اجتماعی به سرمایه انسانی در آنها فراهم‌تر است. تأثیر منفی اشتغال مادران بر میزان بهره‌وری آموزشی فرزندان - که طبیعتاً همبستگی و ثبات خانواده را کاهش می‌دهد - از مصادیق این نظریه است. در صورت وجود سرمایه اجتماعی بالاتر در میان والدین، انتظارات آموزشی آنها بالاتر رفته و این امر به ارتقاء سطح بهره‌وری آموزشی آنها کمک می‌کند.

از طرفی نهادهای مذهبی از مهمترین جایگاه‌هایی هستند که در آن فعالیت اجتماعی بر مبنای روح اعتماد، تعاون و همبستگی شکل می‌گیرد، البته منظور آن دسته از مذاهبی است که از اعمال فردی، فراتر رفته و برای فعالیت اجتماعی نیز ارزش قایل هستند. «کلمن» مسئول اجرای چند پژوهش در مورد عملکرد اقلیتها در مدارس دولتی و خصوصی بوده که نتایج آنها آثار مثبت مدارس مذهبی بر عملکرد دانش‌آموزان را تأیید کرده است. (شعبانی، همان، ۱۳۰)

«انتقال اطلاعات و دانش در سطح خرد و کلان در میان افراد و سازمانها، نیازمند تسهیل و تسریع است. تمام عواملی که مشوق ارتباط بین فردی یا مانع آن باشند، بر مبادلات اطلاعاتی افراد تأثیرگذار خواهند بود به همین دلیل است که اهمیت ارتباطات و تعامل مبتنی بر اعتماد میان افراد در گسترش و کاربرد دانش مورد تأکید قرار گرفته است. با برقراری ارتباطات و تعاملات مبتنی بر اعتماد میان افراد، گروهها و سازمانها، اثربخشی مبادلات اطلاعاتی و در نتیجه اثربخشی مدیریت دانش ارتقاء می‌یابد. بنابراین گسترش فرهنگ و فضایی در سازمان که این نوع ارتباطات و تعاملات را ترغیب نماید، از ضروریات مدیریت دانش است.



«چن و لوورن»<sup>۱</sup> (2013)، در مقاله خود نقش سرمایه اجتماعی را در سرعت بخشیدن به انتقال دانش مورد بررسی قرار داده اند. ایشان یکی از نکات اصلی و کلیدی انتقال دانش بخصوص در شرکتهای چند ملیتی را توانایی فرهنگ سازمان در سرعت بخشیدن به انتقال دانش عنوان می کنند و بیان می دارند که جو عدم اطمینان و ارتباطات نامناسب اصلی ترین عامل کاهش سرعت انتقال دانش (بخصوص دانش نوین) است. در این پژوهش نقش جوامع اجتماعی درون سازمان و ارتباطات اثربخش مبتنی بر اعتماد میان اعضای درون گروه به عنوان عاملی اثربخش در تسریع فرآیند انتقال دانش به اثبات رسیده است. (هرندی، ۱۳۹۳، ۱۶۸)

مشارکت اجتماعی می تواند بر سطح بهره وری آموزشی مؤثر باشد. همکاری، تعاون و همبستگی مابین اعضا گروهها موجب می شود که افراد در فضایی همراه با رقابت و سایر ابعاد انسانی همچون کمک به همونوع و دلسوزی نسبت به وضعیت یکدیگر احساس مسئولیت داشته باشند. در چنین فضایی، افراد تلاش می کنند با به کارگیری توانمندیهای خود، ضعف های یکدیگر را پوشش دهند.

### نتیجه گیری:

آنچنان که گفته شد، براساس تحقیقات و پژوهشهای صورت گرفته، سرمایه اجتماعی بعنوان عاملی مهم و تاثیرگذار، در رشد و توسعه جوامع قلمداد می گردد. سرمایه اجتماعی، یک مفهوم فرارشته ای است که بطور کلی بر روابط میان انسانها تمرکز دارد. روابطی که در تمام لحظات زندگی روزمره و در طول عمر انسانها، جریان داشته و رفتار و نگرش آنها را تحت تأثیر قرار می دهد.

از دیدگاه «کلمن» مفهوم سرمایه اجتماعی نشان دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می تواند بعنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. به دیگر سخن، سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که بعنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. «فوکویاما» معتقد است: سرمایه اجتماعی را به سادگی می توان بعنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزشهای غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجازاست، در آن سهم هستند. «پاتنام» سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه ها می داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. بر اساس تعاریف فوق سرمایه اجتماعی عامل ضروری و غیر قابل انکاری در تحولات جوامع و تعالی و توسعه آنها محسوب می شود. بنابراین شناخت و ارزیابی نحوه اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر فرآیند توسعه در جوامع مختلف بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

در دو دهه اخیر که «شاخص توسعه انسانی» (HDI) بعنوان شاخصی شناخته شده و پذیرفته شده از سوی جامعه بین الملل مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفت، این سؤال به عنوان سؤالی اساسی مطرح شد که عوامل اثرگذار بر فرآیند توسعه انسانی چه عواملی هستند؟ بر اساس فرضیه این پژوهش یکی از عوامل مهم در اثرگذاری بر این فرآیند، سرمایه اجتماعی بعنوان عامل آسان کننده جریان تولید، خلق ثروت و رفاه است. با توجه به اینکه هدف توسعه انسانی، پرورش قابلیت ها و گسترش امکانات انسان و برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و خلاق در محیطی غنی و در جامعه ی مدنی دموکراتیک، توصیف شده است، لذا تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی می تواند به سیاستگذاران کمک شایانی نماید.

با توجه به نتایج حاصله می توان گفت: مولفه های سرمایه اجتماعی چون شبکه های روابط اجتماعی، اعتماد و مشارکت دارای تاثیر مستقیم بر شاخصه های توسعه انسانی و تعالی آنها دارد. به ترتیبی که هرچه میزان سرمایه اجتماعی و تعلق خاطر مردم در یک جامعه به هنجارها و ارزشها و شبکه روابط اجتماعی بیشتر باشد و میزان مشارکت اجتماعی و اعتماد در جامعه بالاتر باشد، رشد شاخصهای توسعه انسانی، ملموس تر و مشهود تر است و بالطبع حرکت در راستای توسعه انسانی روانتر و سریعتر.

### \* فهرست منابع:

- ۱) شارع پور، محمود. (1387). روند جهانی در سنجش سرمایه اجتماعی اثرپذیری از حوزه سیاست گذاری اجتماعی. فرآیند مدیریت و توسعه، شماره 68 و 69

<sup>1</sup> Chen & Lovvorn



- ۲) رناتی، محسن. دلیری، حسن. مؤیدفر، رزیتا (۱۳۸۸) **نقش منابع معرفت و هویت در تشکیل سرمایه اجتماعی**؛ رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸
- ۳) فیروزآبادی، سیداحمد، (۱۳۸۴)، **نقد و معرفی کتاب بولینگ یک نفره**، فروپاشی و احیای مجدد اجتماع امریکایی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲
- ۴) فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۹). **سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه**، ترجمه: حسن پویان و افشین خاکباز، به اهتمام کیان تاجبخش، نشر شیرازه
- ۵) فوکویاما، فرانسیس (1385)، **پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- ۶) کلمن، جیمز (1377)، **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- ۷) پاتنام، رابرت (1380)، **دموکراسی و سنتهای مدنی**، ترجمه: محمد تقی دلفروز. تهران: نشر غدیر
- ۸) استونز، راب (1379)، **متفکران بزرگ جامعه شناسی**، ترجمه: مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- ۹) سوسن باستانی، (۱۳۸۶)، **سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت**، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰
- ۱۰) گیدنز، آنتونی، (1383)، **تجدد و تشخیص**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ۱۱) طوسی، محمد علی، (۱۳۷۰)، **مشارکت به چه معناست**، مدیریت دولتی، دوره جدید، شماره سیزدهم، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت.
- ۱۲) وحیدا. فریدون، نیازی. محسن، (1383)، **تاملی در مورد رابطه بین ساختار و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان**، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره 23
- ۱۳) دال، رابرت (۱۳۶۴)، **تجزیه و تحلیل جدید سیاست**، ترجمه حسین ظفریان، تهران: انتشارات ظفریان.
- ۱۴) پناهی، حسین (۱۳۸۳) **اثر ویژگی های فردی و مشارکت اجتماعی**، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره 26
- ۱۵) سرکارآرانی. محسن، (۱۳۷۹)، **مشارکت و توسعه انسانی**، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۵۹-۱۶۰
- ۱۶) شعبانی احمد، (۱۳۹۲)، **اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی**: مطالعه کاربردی مناطق ایران، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، شماره ۲
- ۱۷) علیخانی، سلیمه محمد، (۱۳۹۱)، **بررسی شاخص توسعه انسانی (HDI) در ایران و کشورهای منتخب**، فصلنامه پایش، سال یازدهم شماره چهارم
- ۱۸) مهرگان. نادر، دلیری. حسن، (۱۳۹۴) **بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی**، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار) سال پانزدهم شماره دوم صفحات ۱۳۶
- ۱۹) صادقی. حسین و همکاران (۱۳۹۲)، **تحلیل فازی رابطه اعتماد اجتماعی با توسعه انسانی**، فصلنامه علمی پژوهشی رشد و توسعه اقتصادی، شماره دوازدهم
- ۲۰) ابوالحسن تنهایی. حسین، حضرتی صومعه. زهرا، (۱۳۸۸) **بررسی نظری پژوهشهای سرمایه اجتماعی در جامعه ایران**، فصلنامه علوم رفتاری، دوره ۱، شماره ۱
- ۲۱) کاوسی. اسماعیل، احمدی. فخرالدین، (۱۳۸۹) **جهانی شدن و توسعه منابع انسانی** (مقایسه تطبیقی 62 کشور جهان)، مطالعات راهبردی جهانی شدن، شماره اول
- ۲۲) هرندی. عطاءاله، (۱۳۹۳)، **تبیین نقش سرمایه اجتماعی و انتقال دانش در یادگیری سازمانی شرکتهای دانش بنیان**، فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، سال اول، شماره 4

*National Conference on Future Studies, Humanities and Development*

کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسانک و توسعه

FHD2015.ir



شیراز مهرماه ۱۳۹۴

- b. Putnam, R. D. (۱۹۹۳). Making democracy work. Civic traditions in modern italy. Princeton, NJ, Princeton University Press.
- c. Uzzi, B. and S. Dunlap (۲۰۰۵). "How to build your network." Harvard Business Review ۸۳(۱۲): ۶۰-۵۳
- d. Granovetter, M. S. (1973). "Strength of Weak Ties." American Journal of Sociology 78(6): 1360-1380
- e. Mistral, Barbara A. 1997. Trust in Modern Societies. Oxford: Blackwell.
- f. Luhmann; Nikolas. 1979. Trust and Power. New York: Wiley.
- g. Wiig, H. (2003). The productivity of social capital: An econometric analysis of 49 Peruvian